

تاریخ نگاری، تاریخ نگری، ضرورت ها و بایستگی ها

دکتر محبوبه شرفی

استادیار گروه تاریخ، واحد شهرری

دانشگاه آزاد اسلامی، ایران

چکیده

این مقاله بر آن است با نقد و نگاهی بر آثار چاپ شده در حوزه تاریخ نگری و تاریخ نگاری و تبیین ضرورت و اهمیت گسترش و تقویت آن زمینه‌ی ترغیب و توجه بیشتر اهل تاریخ را به مباحث تاریخ نگری سوق دهد. بایستگی توجه است درک و فهم واقع‌های تاریخی بدون شناخت اندیشه‌ی که در پس رویداد تاریخی نهفته است، در واقع فهم تاریخ نگری مورخ، درکی ناقص است. به عبارت دیگر شناخت واقع‌های تاریخی بدون شناخت منظر نگاه مورخ، سبب نامعلوم ماندن بسیاری از زوایای تاریک یک حادثه‌ی تاریخی است. بدین روی نگارنده پس از توضیح تاریخ نگری و مولفه‌های سازنده‌ی آن و تبیین ضرورت و بایستگی‌های توجه بیشتر به آن در مطالعات و تحقیقات، نگاهی گذرا به پاره‌ای از تألیفات انجام شده در این حوزه دارد.

کلید واژگان: آسیب شناسی، تاریخ نگاری، تاریخ نگری، ضرورت و بایستگی ها

مقدمه

اگر تاریخ نگاری را انعکاس ادراک تاریخی مورخ بدانیم، مطالعه خبر یک واقعه تاریخی خود واقعیت تاریخی نیست بلکه درک مورخ از واقعه مورد نظر است. به بیان دیگر تاریخ نگاری حاصل رویارویی آگاهانه ذهن و فکر مورخ با واقعه تاریخی است و نه انعکاس عینی واقعه (آقاجری ...، ۱۳۸۰: ۳۸). از این رو در این مطالعات، شناخت رخداد تاریخی، شناخت تفسیر و یا درک آن حادثه در آثار مورخین است. مسئله‌ای که سبب ضرورت یافتن شناخت رابطه دوسویه بین ذهن مورخ و واقعیت تاریخی را فراهم می‌آورد.

هدف این مقاله، نقد و نگاهی بر آثار چاپ شده در حوزه تاریخ نگاری و تاریخ نگری و آشکار ساختن ضرورت گسترش و تقویت مطالعات و تحقیقات تاریخ نگری است بر این پایه آنچه مسئله اصلی این پژوهش است تبیین ضرورت و بایستگی های توجه بیشتر پژوهشگران به این حوزه از مطالعات و پژوهش های تاریخی است. بنابراین این مقاله با چنین رویکردی به این مسئله می‌پردازد.

تاریخ نگاری به عنوان یکی از وجوه فرهنگ و تمدن هر ملت دارای اهمیت است زیرا تاریخ نگاری هر دوره تاریخی، منعکس کننده اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن دوره بوده و مطالعه آن نه تنها وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن زمان، بلکه شناخت و درک اندیشه های حاکم بر فضای فکری آن عصر را به همراه می‌آورد.

تاریخ نگاری موضوعی کم پرداخته شده از سوی پژوهشگران داخل و خارج کشور است. آنچه که امروزه از تاریخ طلب می‌شود تنها شناخت رویداد یا حادثه تاریخی نیست بلکه یاری رسانی آن در فهم معنی و هدف گذشته است، به سخن دیگر علم تاریخ کوششی روشمند جهت تعلیل و تحلیل حیات اجتماعی بشر به قصد فهم اکنون به یاری گذشته است. بر این پایه آنچه دارای اهمیت است، شناخت اندیشه ای است که در پس رویداد تاریخی نهفته است. در واقع شناخت منظری که مورخ از فراسوی آن، رویداد و حادثه تاریخی را دیده، فهم کرده و به قلم درآورده است (آقاجری و ... همکاران، ۱۳۸۰: ۹۴). به عبارت دیگر نوع نگرش مورخ به تاریخ و در نتیجه فهم و برداشت او از واقعه، آنچه که از آن به عنوان تاریخ نگری یاد می‌شود. بدین معنا، آیا مورخ از منظر تعلیل و تحلیل یا فهم چیستی ها و چرایی ها و نقد و ارزیابی به تاریخ می‌نگرد؟ و

یا از منظر توصیف و روایت؟ آیا منظر نگاه او جامعه و مردم است و یا از منظر سیاست به تاریخ نگریسته و تنها در پی ثبت و ضبط رویدادهای سیاسی و نظامی بوده؟ چنان که موضوعات یاد شده در اثر او محوریت یافته و پدیده های اجتماعی مبنای نگارش او قرار نگرفته است، یا آنکه از منظر دین و باورهای دینی و مذهبی به تاریخ نگریسته و دیدگاه های دین گرایانه‌ی مورخ سبب نگاه دیندارانه به تاریخ و در نتیجه نگرش مشیت محور از سوی او به تاریخ شده است؟

از دیگر مؤلفه‌های تاریخ نگری مورخ، نوع نگرش او به چیستی تاریخ است. در واقع آیا او از منظر علم به تاریخ می نگرد؟ برای آن موضوع روش قائل است؟ در روش تاریخ نگاری خود رویکرد نقل گرایانه و یا رویکرد نقل گرایانه قائل است؟ نسبت تاریخ نگاری او با انصاف تاریخی (بی طرفی تاریخی) چگونه است؟

سیری اجمالی در سنت تاریخ پژوهی در سده پیشین بیانگر رویکرد صرفا توصیفی و روایی نسبت به شناخت رویداد تاریخی بر اساس روایت های گوناگون پیرامون آن است. در واقع این رویکرد تاریخ را تنها، روند حوادث و وقایع و آنچه که در عمل اتفاق افتاده دانسته و به شناخت آن می پردازد. تنها در دهه های پیشین است که پژوهشگران علاوه بر شناخت روایی واقعه تاریخی در صدد شناخت عوامل اثرگذار در شکل پذیری رخداد تاریخی و دستامدهای آن برآمده است. این درحالیست که، آنچه همه این اقدامات را کامل می کند شناخت تفکر و دیدگاه های بیان شده درباره حوادث و وقایع مذکور است، مسئله ای که به خوبی نوذری در فلسفه تاریخ خویش، از آن به دو معنا از تاریخ، اول به عنوان "تاریخ به مثابه‌ی واقعه" و دیگری "تاریخ به مثابه‌ی ارزیابی" یاد می کند. (اتکینسون و همکاران، ۱۳۷۹: ۸۲) بنابراین، بخشی از وظایف مورخ شناخت روند حادثه و آنچه در عمل اتفاق افتاده است و بخش مهم دیگر، منظر نگاه او به حادثه و در واقع تفکر و دیدگاه های او در این باره است. از جمله مهمترین ابزارهای که مورخ را در رسیدن به این هدف یاری می رساند، تعمق و تلاش در حوزه تاریخ نگاری و تاریخ نگری است. (ملایی توانی، ۱۳۸۴: ۲۶-۵) به قول وبر، شناخت انسان از واقعیت هرگز کامل و ناب نیست، واقعیت امر پیچیده، دشوار و نامتناهی است. ذهن انسان همیشه بخشی از واقعیت را که می تواند و یا برای او مهم است درمی یابد. بنابراین تنها پاره ای از واقعیت از سوی او انتخاب می شود و مورد تتبع و تحلیل قرار می گیرد. (فروند، ۱۳۶۸: ۴۵) بایسته توجه است تاریخ نگاری در حقیقت انعکاس درک تاریخی هر مورخ از واقعه است. (آقاجری، ۱۳۸۰: ۷۷) بدین روی جهت شناخت کامل تر رخداد تاریخی، آنچه

ضرورت می یابد، درک اندیشه تاریخ نگارانه‌ی مورخ از واقعه است. درحقیقت شناخت رخداد تاریخی و درک اندیشه‌ی تاریخ نگارانه‌ی مورخ، دو روی یک سکه‌اند که شناخت هر یک مستلزم شناخت دیگری است.

نگاهی اجمالی در پژوهش های متأخر بیانگر رویکرد ضعیف پژوهشگران به طور مستقل، در حوزه تاریخ نگری است. کتب چاپ شده در این عرصه را به گروه های زیر می توان تقسیم کرد: دسته اول آثاری که، در حوزه مطالعات نظری علم تاریخ قرار داشته که محقق را در فهم رهیافت های نظری به تاریخ و تاریخ نگاری به شکلی علمی کمک می کند. از جمله این آثار می توان به کتاب فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخ نگاری ترجمه حسین علی نوذری اشاره کرد. (اتکینسون و همکاران، ۱۳۷۹) این کتاب مجموعه ای از مقالات نویسندگان خارجی در سه محور فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخ نگاری است که با ارائه نظریات اندیشمندانی چون اتکینسون، استنفورد، شارتی، برک، پُستر، فوکو و دیگران تدوین یافته است. این مجموعه می کوشد با پوشش دادن خلاء مباحث نظری و تئوریک در بخش های سه گانه یادشده پژوهشگران را با الگوهای نظری آشنا ساخته تا آنان را در امر تجزیه و تحلیل وقایع نگاری و نگارش آن یاری رساند.

تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی (آغاجری و همکاران، ۱۳۸۰) که با هدف تقویت مطالعات نظری در حوزه علم تاریخ فراهم آمده است، یکی دیگر از آثار چاپ شده در این مجموعه است که به لحاظ تئوریک اطلاعات ارزشمندی را در اختیار پژوهشگران تاریخ قرار می دهد. بدیهی است مطالعات و تحقیقات تاریخی در عصر حاضر، از ضعف در همین حوزه رنج می برد. چنان که رویکرد ضعیف به تحلیل و تفسیر و تعلیل در قالب روش های علمی مولود عامل یاد شده است. کتاب حاضر که حاصل دیدگاه های عالمانه چند تن از استادان فرزانه این مرزوبوم است در دو بخش، اول: تأمل در مفاهیم "تاریخ" و "تاریخ نگاری" و دیگری، "ملاحظات درباره علم تاریخ و تاریخ نگاری" تنظیم و تدوین گردیده است.

تاریخ در ترازو (زرین کوب، ۱۳۸۱) از پژوهش های متقدم در همین زمینه است که به دلیل تبیین برخی از مفاهیم مبانی نظری علم تاریخ و از سوی دیگر در بردارندگی مسائل مهم تاریخ نگاری دارای اهمیت است. فهرست بخشهای کتاب عبارتند از :

۱- فایده تاریخ (لذت یا شناخت) ۲- تاریخ واسطوره ۳- سنت های تاریخ نویسی ۴- تاریخ نویسی در یونان و روم ۵- اروپا و تاریخ نگاری ۶- بازجویی و باز آفرینی ۷- تاریخ و شناخت ۸- نقد و ارزیابی ۹- جستجوهای تازه ۱۰- اندیشه تاریخنگری ۱۱- افق های ناکجا آباد ۱۲- کارنامه تاریخ.

از دیگر آثاری که در همین راستا قرار دارند می توان به مکتب های تاریخی و تجدد گرایی تاریخ (رادمنش، ۱۳۷۹) از دکتر عزت الله رادمنش، تاریخ نگاری و جامعه شناسی تاریخی ترجمه دکتر هاشم آقا جری، (همیلتون و همکاران، ۱۳۸۷) روش های پژوهش در تاریخ به سرپرستی شارل ساماران (ساماران، ۱۳۷۵)، بینش و روش در تاریخ، ترجمه دکتر منصوره اتحادیه، کتاب تاریخ تألیف کوردون چاپلد، (چاپلد، ۱۳۵۵) تاریخ چیست؟ تألیف اچ کار، (کار، ۱۳۵۱) تاریخ چیست و چرا نوشته بورلی سائگیت (سائگیت، ۱۳۷۹) اشاره کرد.

دسته دیگر آثار، تألیفاتی هستند که، آنان در زمره آثار تاریخنگارانه قرار ندارند اما می تواند مقدمه ای برای آن باشد. کتاب تاریخ در ایران تألیف غلام حسین صدیقی (افشار، صدری، افشار، ۱۳۴۵)، تاریخ نگاران دکتر جعفر حمیدی (حمیدی، ۱۳۷۲)، تاریخ و تاریخ نگاری دکتر احمد تاجبخش (تاجبخش، ۱۳۷۶)، تاریخ نگاران ایران تألیف پرویز اذکابی (اذکابی، ۱۳۷۳)، تاریخ ایران بعد از اسلام دکتر عبدالحسین زرین کوب (زرین کوب، ۱۳۷۱) در این گروه از آثار قرار دارند.

آنچه ویژگی مشترک بسیاری از آثار یاد شده است آنکه، نویسندگان با بیان مختصری از زندگی نامه مورخان و شرح اجمالی محتوای اثرشان به طرح تعدادی از سؤالات حوزه تاریخ نگاری و پاسخ آن پرداخته اند، انگیزه های مورخ از تألیف کتاب، سبک و ویژگی تاریخ نگاری، منابع مورد استفاده مورخ در تألیف کتاب از جمله این سؤالات است.

دسته سوم، آثاری که اختصاصاً در حوزه تاریخ نگاری قرار داشته و می توان آن را در دو بخش تقسیم کرد. اول، تألیفاتی که در زمره آثار متقدم قرار داشته و به مباحث بنیادی در مطالعات تاریخ نگاری پرداخته اند. به سخن دیگر با توجه به قدمت نگارش آنان، فاقد نگرش های نوین در شرح و بیان مباحث بوده و به موضوعات جدید نپرداخته اند، به طوریکه این آثار را می توان به عنوان مقدمه ای برای مطالعه تاریخ نگاری به کار برد. دسته دوم آثاری هستند که در سالهای اخیر به چاپ رسیده اند اما دغدغه ی مؤلفین آن، تنها پرداختن به موضوعات تاریخ نگاری بوده و علیرغم آنکه گاه، عنوان تاریخ نگری نیز در تیتراژ پژوهش آنان آمده است، این موضوع یعنی

واکای منظر نگاه مورخ به رویداد و یا حادثه تاریخی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. آنچه در این تقسیم بندی حائز اهمیت است، آنکه تألیفات یاد شده، گاه حاصل قلم پژوهشگران ایرانی و یا محققان غیر ایرانی است. پاره ای از این آثار عبارتند از: تاریخ و تاریخ نگاری در اسلام از فرانتس روزنتال. (روزنتال، ۱۳۶۶) در این کتاب مؤلف در بخش نخست، مباحث و ملاحظاتی کلی و بنیادی درباره تاریخ نگاری ارائه می کند، چنانکه به مفهوم تاریخ در اسلام و عصر نوین، زمینه های تاریخی و اجتماعی پیدایش و رشد تاریخ نگاری چون آگاهی تاریخی در عربستان پیش از اسلام، جهان نگری تاریخی حضرت محمد، جایگاه تاریخ در علوم و تعلیم و تربیت اسلام و تاریخ نگار مسلمان می پردازد. در فصل سوم و پنجم نیز به اشکال و انواع تاریخ نگاری در اسلام توجه داشته است که آن را در اشکالی چون دودمانی، طبقات، تبار شناختی، محلی، عمومی و تاریخ معاصر و خاطرات تقسیم بندی کرده است.

آنچه مسلم است، در این بحث خلطی میان انواع و اشکال تاریخ نگاری و انواع و اشکال تنظیم یک اثر تاریخی صورت پذیرفته است که بهتر بود این دو بحث مجزا از هم در دو فصل جدا تنظیم می شد. نویسنده مقدمه این بحث را موضوع تاریخ خبر و اشکال ثبت خبر قرار داده است. او معتقد است کهن ترین صورت تاریخ نگاری در اسلام، توصیف جامع رویدادهای تک است که به طور معمول بیش از چند صفحه نمی شود و استمرار مستقیم قصص ایام می باشد. نویسنده با بیان مهم ترین ویژگی ها و اختصاصات یک خبر تاریخی و دلایل آن که مهم ترین آن الف) عدم برقراری ارتباط علی و معلولی میان دو یا چند رویداد ب) عدم ارائه تحلیلی روشن از اوضاع و احوال و واگذاری آن به عهده خواننده ج) اشمال آن بر نقل و قول ها و اشعار و در حقیقت استمرار قصص ایام و کم توجهی به دلالت نقل قول، به ارائه شواهدی در این باره می پردازد. فصل پنجم این کتاب با عنوان "صور هنری نوشته تاریخی" از کاربرد نثر مقفی و شعر در نوشته های تاریخی سخن می گوید. فصول هفتم و هشتم با عناوین "داستان بلند تاریخی" و "ارزیابی تاریخ نگاری در اسلام" پایان بخش مباحث نخست کتاب هستند. بخش دوم کتاب روزنتال، مشتمل بر چندین رساله است که در آن به شرح و تحلیل تاریخ نگاری منابع زیر پرداخته است.

۱- تحفه الفقیر الی صاحب السریر، محمد بن ابراهیم ایجی

۲- المختصر فی علم التاریخ، محی الدین کافجی

۳- الاعلان بالتویخ لمن ذم اهل التاریخ، سخاوی

۴- قسمت هایی از کتاب مفتاح السعاده و مصباح السیاده، تاش کویری زاده

کتاب "تاریخ نگاری در اسلام" یکی از مهم ترین مآخذ متقدم در خصوص تاریخ نگاری است که مقالات متعددی از مستشرقین در آن گرد آمده است. مجموعه فوق در بردارنده مقالات زیر است: تطور تاریخ نگاری در اسلام از آ. ر. گیب، ادبیات جغرافی نگاری و تاریخ نگاری در اسلام از کلمان هوار، مکتب تاریخ نگاری عراق در قرن سوم هجری از آ. آ. دوری، پیدایش و گسترش تاریخ نگاری اسلامی در سوریه از سامی اللّهان؛ پیدایش و گسترش تاریخ نگاری اسلامی در اسپانیا از شارل پلا؛ تاریخ نگاری اسلامی از قرن ششم تا هفتم از م. حلمی؛ مکتب تاریخ نگاری اسلامی در ایران از فلیکس تاپوئر؛ ادبیات شرح حال نویسی در اسلام از ه. آر. گیب، بهره گیری از منابع غیر اسلامی در تاریخ نگاری از برنارد لوئیس؛ تاریخ نگاری مورخین شوروی درباره سرزمین های شرق اسلامی از ریچارد فرای؛ تاریخ نگاری نوین در اسلام از آلبرت هورانی.

این اثر به لحاظ موضوعی گستره وسیعی را دربر می گیرد اما نگاه گذرا و سطحی آن در تبیین و تشریح تاریخ نگاری ها به عبارت دیگر فقدان نگرش های عمیق علمی در تاریخ نگاری، وضعی را به لحاظ محتوایی در آن ایجاد کرده است. البته این مسئله در کنار قدمت تألیف این اثر، قابل توجیه است.

"علم تاریخ در اسلام" (آیینه وند، ۱۳۶۴) از دیگر آثار متقدم در این عرصه است که به پیدایش علم تاریخ در اسلام و تحولات آن می پردازد. این کتاب در دو دفتر تنظیم شده است: دفتر اول با عنوان "علم تاریخ در اسلام" شامل چهار بخش است و بخش اول مشتمل بر چهار فصل است. مهم ترین موضوعات آن عبارت است از: پیدایش علم تاریخ در اسلام و شعب آن، مشکلات تاریخ نگاری شیعه، ضرورت اتکا به تاریخ صحیح و تاثیر تعصب در روح مورخ، تعریف، موضوع، هدف و فایده علم تاریخ از دیدگاه چند تن از مورخان (کافیجی، سخاوی، سیوطی، بیهقی، ابن خلدون و ابن اسفندیار). بخش دوم به شرح چگونگی تاریخ نگاری پنج تن از مورخان برجسته اسلامی اختصاص یافته است. این اثر از اولین و معدود آثار نگاشته شده در حوزه تاریخ نگاری توسط پژوهشگران ایرانی است که به شکلی تخصصی به این موضوع می پردازد اما آنچه مسلم است با توجه به قدمت نگارش آن، این اثر نیز فاقد برخی از نگرش های نوین در مطالعات تاریخ

نگاری است کتاب دو جلدی علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، اثر دیگری در موضوع تاریخ نگاری از دکتر صادق آیینه وند است.

تاریخ نگاری در اسلام (سجادی و همکاران، ۱۳۸۰) نوشته دکتر هادی عالم زاده و سید صادق سجادی دیگر کتاب موجود در این مجموعه است. این کتاب در شش فصل تنظیم شده است. آنچه ویژگی اصلی این اثر است، کلام اختصار گونه نویسندگان در توضیح مطالب است. این مسئله در کنار اتکا نویسندگان به شرح و توصیف مطالب و ضعف در اتخاذ رویکردی تحلیلی در نگارش، اشکالاتی را به وجود آورده است.

خلط برخی از مطالب مکاتب تاریخ نگاری و سیر تاریخ نگاری در سرزمین های اسلامی از یکسو و اختصار آن دیگر اشکال این اثر است. در موضوع مکاتب تاریخ نگاری، نویسندگان به هیچ روی نتوانسته اند تصویری روشن، جامع و کامل از مهمترین شاخصه های تاریخ نگاری مکاتب یادشده، همراه با ارائه شواهد و مستندات در خصوص مکتب تاریخ نگاری ایرانی، شامی و اندلسی ارائه دهند و آن جا که خواسته اند از سیر تاریخ نگاری در این سرزمین ها هم سخن گفته باشند. اختصار کلام و عدم جامعیت اطلاعات آنان، مشکلاتی را بوجود آورده است، به طوریکه به نظر می رسد حق کلام به جای آورده نشده است.

در موضوع انواع و اشکال تاریخ نگاری، همان اشکالی که در کتاب تاریخ نگاری در اسلام موجود است، یعنی خلط مطالب شیوه های تنظیم و انواع تاریخ نگاری، در این کتاب هم دیده می شود. علیرغم آنکه نویسندگان این اثر در موضوع شیوه های تنظیم تاریخ نگاری، طبقات نویسی، فرهنگ نامه نویسی را شیوه ای از تدوین دانسته اند این مسئله را شکلی از انواع تاریخ نگاری نیز بیان کرده اند، از سوی دیگر آنچه مسلم است کتب مربوط به وزارت و دیوانسالاری، فرق و مذاهب و حتی انساب منابعی در فهم تاریخ بوده و این آثار را نمی توان اشکالی از تاریخ نگاری دانست.

موضوع دیگر آنکه، علیرغم تکرار واژه تاریخ نگاری از سوی نویسندگان، کمتر توضیح و بیانی در این رابطه در کتاب، دیده می شود. فقدان توجه کافی به این مسئله نیز نقصانی را به لحاظ محتوایی فراهم آورده است. نگاه انتقادی در معرفی و توضیح اثر یاد شده، به معنای انکار ارزشمندی علمی اثر و شخصیت علمی نویسندگان آن نبوده چراکه این امکان وجود دارد، اثر یاد شده بنا بر خواسته و سلیقه ی ناشر آن تنظیم شده باشد.

کتاب دانش تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی (حضرتی، ۱۳۸۲) مشتمل بر شانزده مقاله در حوزه دانش تاریخ و تاریخ نگاری است که به قلم محققان تاریخ اسلام در جهت تقویت مطالعات نظری در این قلمرو فراهم آمده است. این مقالات را در سه گروه می توان تقسیم بندی کرد. اول، مقالاتی که در حوزه دانش تاریخ در اسلام نوشته شده است. دوم، مقالاتی که در حوزه مباحث نظری مطالعات و تحقیقات تاریخی به تألیف درآمده است. سوم، مقالاتی که در حوزه تاریخ نگاری اسلامی جای می گیرند.

آنچه ویژگی برخی از مقالات این مجموعه است آنکه، منطبق بر نگرش های جدید علمی به تبیین و تحلیل تاریخ نگاری مورخان اسلامی یا روند تاریخ نگاری در یک دوره تاریخی پرداخته است. این مسئله در کنار محدود بودن آثار موجود درباره علم تاریخ و تاریخ نگاری در ایران و اسلام و اتکای بسیاری از آنها به شیوه های توصیفی در بیان مطلب دارای اهمیت است. کتاب اندیشه تاریخ نگاری عصر صفوی از دکتر محمد باقر آرام (آرام، ۱۳۸۶) از پژوهش های جدید در حوزه تاریخ نگاری ایران است که به منظور بررسی گفتمان تاریخ نگاری عصر صفوی به رشته تحریر در آمده است.

این اثر نیز جزء معدود آثار تاریخ نگاری است که به جهت تعمق در فهم تاریخ و تاریخ نگاری بر اساس دیدگاه های جدید روشی و پرداختن به مباحث تاریخ نگری دارای اهمیت فراوان است. نویسنده این کتاب به خوبی توانسته است به فهم و توصیف و تحلیل منابع تاریخ نگاری از ابعاد هستی شناسی، انسان شناسی، فلسفه تاریخ و چیرستی تاریخ از نگاه مورخان بپردازد. از دیگر پژوهش های متقدم در حوزه تاریخ نگاری، مجموعه مقالاتی است با عنوان تاریخ نگاری در ایران (اشپولر و همکاران، ۱۳۸۰) که توسط دکتر یعقوب آژند تنظیم و گرد آوری شده است. در این مجموعه، مقالاتی به قلم شرق شناسانی چون اشپولر، باسورث، کاهن، لمبتن، پوبل، جان وودز و غیره به چاپ رسیده است. مترجم این کتاب کوشیده است با کنار هم قرار دادن مقالاتی در این حوزه دوره کاملی از سیر تاریخ نگاری ایران دوران اسلامی را فراهم سازد. در این میان در مقاطعی که مقالاتی نیافته به قلم خود مطالبی افزوده است.

مهم ترین ویژگی اغلب مقالات این مجموعه، علیرغم تفاوت نویسندگان آن، کم بهره گی آن از نگرش های نوین در عرصه تاریخ نگاری است. چنان که اکثر آنها به شناسایی و توضیح منابع مورد استفاده مورخین در تألیف اثرشان، شیوه های نویسندگی مورخان، درجه استقلال آنان و

گاه بررسی آثار به لحاظ شکل و محتوا می‌پردازند. البته این مسئله در کنار قدمت نگارش مقالات، قابل توجیه است.

تاریخ نگاری و تحولات آن در ایران تألیف دکتر حسین میر جعفری و دکتر عباس عاشوری (میرجعفری و همکاران، ۱۳۸۶) از دیگر آثار موجود در این زمینه است. آنچه هدف نویسندگان این کتاب است ارائه نگاهی نو درباره سیر تاریخ نگاری و تحولات آن در ایران و جهان است. در این راستا پس از طرح کلیاتی مختصر درباره معنا و مفهوم تاریخ نگاری و تاریخ نگری و تاریخ نگاری اولیه بشر و وضعیت آن در چند تمدن بزرگ جهان باستان، به تاریخ نگاری در ایران قبل و بعد از اسلام تا دوران معاصر پرداخته است.

در تاریخ نگاری قبل از اسلام، علاوه بر ذکر منابع ایرانی، به منابع حوزه های تمدنی دیگر درباره حکومت های ماد، هخامنشی، سلوکی، اشکانی و ساسانی توجه شده است. اما بر خلاف ادعا آنچه در مقدمه به عنوان هدف و انگیزه های تألیف این کتاب آمده، این بخش را باید معرفی منابع دوره باستان تاریخ ایران و نه تاریخ نگاری دوره مذکور دانست به سخن دیگر نویسندگان نتوانسته و یا بنا بر ملاحظات نخواستند بحثی جامع درباره تاریخ نگاری این دوره ارائه دهند.

فصل دوم به تاریخ نگاری ایران دوران اسلامی اختصاص دارد که در مقاطع زیر تقسیم بندی شده است: الف) قرون اسلامی (از ورود اسلام تا پایان آل بویه) ب) سلسله های ترک نژاد (غزنویان تا مغول) ج) دوره مغول فترت د) تیموریان و ترکمانان ه) صفویه و افشاریه و زندیه ز) قاجاریه و پهلوی

در این فصل، مؤلفین با بیان اجمالی ویژگی ها و عناصر مهم تاریخ نگاری هر یک از ادوار یاد شده، به شرح و تبیین تاریخ نگاری دو تن از مورخان آن دوره پرداخته اند. بیان مختصر نویسندگان کتاب در توضیح عناصر ویژگی های تاریخ نگاری به یکی از مهم ترین نقاط ضعف اثر تبدیل شده است. از سوی دیگر از تاریخ نگاری صفویه به بعد از ارزش محتوایی کتاب کاسته می شود بطوریکه در شرح تاریخ نگاری دوره قاجار، ارزش علمی آن به حداقل می رسد.

تاریخ نگاری اسلامی و مکاتب آن، عنوان بخش پنجم این کتاب است. بخش ششم این کتاب نیز به تاریخ نگاری اروپا اختصاص یافته است. این بخش نیز مانند بخش پیشین در کمال اختصار نوشته شده است. بخش آخر نیز با عنوان تاریخ نگاری عصر حاضر به مکتب آنال اختصاص دارد. همان طور که از عنوان این بخش بر می آید، نویسندگان کتاب از میان مکاتب مختلف تاریخ نگاری

در دوره معاصر تنها به مکتب آنال اکتفا کرده که بنا به اذعان آنان؛ بخشی از کتاب پیش و روش در تاریخ نگاری معاصر ترجمه دکتر منصوره اتحادیه است. بدیهی است با توجه به ضرورت طرح مباحث یاد شده و توضیح و تبیین بیشتر آن، نپرداختن به آن ضعفی دیگر بر این اثر وارد آورده است.

از دیگر آثار در این زمینه، می توان از کتاب جریان های اصلی تاریخ نگاری در دوره پهلوی از دکتر سیمین فصیحی (فصیحی، ۱۳۷۲) یاد کرد این کتاب مشتمل بر دو بخش است. بخش اول در حقیقت پیش در آمدی بر بحث اصلی کتاب یعنی جریان های اصلی تاریخ نگاری در دوره پهلوی است در این بخش نویسنده می کوشد با بیان مختصری از چگونگی تاریخ نگاری در ایران تا عصر پهلوی خواننده را برای ورود به بحث اصلی آماده کند. در بخش دوم این اثر با تأکید بر چهار جریان اثر گذار در تاریخ نگاری عصر پهلوی الف) جریان آکادمیک ب) جریان ناسیونالیستی ج) جریان مارکسیستی د) جریان شرق شناسی، افرادی به عنوان نمایندگان هر جریان، از سوی نویسنده انتخاب و تاریخ نگاری آنان مورد تبیین و تحلیل قرار گرفته است.

از دیدگاه نویسنده، جریان مارکسیستی تاریخ نگاری از جایگاه مهمی برخوردار است. او معتقد است اندیشه مارکسیستی و به تبع آن تاریخ نگاری مارکسیستی، تحول عمده ای در روند تاریخ نگاری این سرزمین ایجاد نموده و مورخان را از واقعه نگاری صرف و پرداختن به تاریخ سیاسی محض رهانیده و برای اولین بار آنان را به اقتصاد سیاسی به عنوان اصلی ترین کلید بررسی تاریخ اجتماعی آشنا کرده است.

کتاب جریان شناسی تاریخ نگاری ها در ایران معاصر تألیف ابو الفضل شکوری (شکوری، ۱۳۷۱) اثر دیگری در حوزه تاریخ نگاری معاصر است. مباحث این کتاب در سه بخش تنظیم شده است. ضرورت شناخت جریان های تاریخ نگاری، عنوان بخش نخست این کتاب است که فصل هایی با موضوعات زیر در آن گنجانده شده است: ارزش و کار آیی علم تاریخ در جهان معاصر، مفهوم اصطلاح جریان های تاریخ نگاری (تاریخ نگاری جریانی و غیر جریانی، انواع تاریخ نگاری های جریانی، جریان زدگی تواریخ معاصر ایران) و ضرورت و فواید علمی جریان شناسی تاریخ نگاری ها.

بخش دوم، که به تاریخ نگاری درباری پرداخته است، موضوعات زیر را در بر می گیرد: تعریف تاریخ نگاری درباری، چهار جریان فرهنگی منشأ پیدایش چهار نوع تاریخ نگاری،

پیامدهای علمی تاریخ نگاری درباری، سابقه تاریخ نگاری درباری در ایران قدیم و در میان مسلمانان، معرفی شماری از تاریخ های درباری عصر پهلوی و ویژگی های تاریخ نگاری درباری از جهت روش شکلی و محتوایی.

بخش سوّم نیز به تاریخ نگاری استعماری اختصاص یافته است. در این بخش با ارائه تعریفی از تاریخ نگاری استعماری به پیشینه آن در ایران و خارج از آن پرداخته شده است. غلبه بینش سیاسی بر دیدگاه های نویسندگان در شرح و نقد آثار تاریخ نگارانه، از یک سو مانع توجه او به سایر وجوه تاریخ نگاری و جریان های اثر گذار در آن شده و از سوی دیگر سبب نوعی قالب اندیشی در مؤلف گردیده، به طوریکه اغلب آثار مورخان ایرانی را در این جرگه قرار داده و آن ها را فاقد ارزش علمی دانسته است. در این طرز تلقی آثار ارزشمند مورخانی چون عطا ملک جوینی، اسکندر بیگ منشی و غیره در این دسته قرار یافته و با شواهد و دلایل سست به اثبات رسیده است. این ایراد اساسی در بخش تاریخ نگاری استعماری نیز آشکار است که ضعف جدی را به لحاظ محتوایی بر آن وارد آورده است.

کتاب تاریخ نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ از دکتر جهانبخش ثواقب، (ثواقب، ۱۳۸۰) نگاهی گذرا بر تاریخ نگاری عصر صفویه دارد. نویسنده در این کتاب طی بحثی مختصر درباره تاریخ نگاری روند شکل گیری تاریخ نگاری اسلامی عربی و تاریخ نگاری ایرانی و اشکال تاریخ نگاری اسلامی به ویژگی های تاریخ نگاری عصر صفوی پرداخته است.

آنچه که دغدغه اصلی مؤلف در نگارش این اثر است، شرح و توضیح منابع و مآخذ عصر صفوی است چنان که بخش اعظم کتاب به این موضوع اختصاص یافته است. بر این اساس کتاب یاد شده را باید نوعی شناسایی منابع و مآخذ عصر صفوی دانست.

نتیجه

برپایه آنچه گفته آمد، نگاهی اجمالی بر پژوهش های متأخر در حوزه تاریخ نگاری، بیانگر رویکرد ضعیف پژوهشگران به طور مستقل به موضوع تاریخ نگاری است که با توجه به اهمیت این مسئله در فهم واقعی تاریخی، توجه بیشتری را نیازمند است. بدین روی این مقاله کوشیده است با بیان ضرورت های تحقق این مهم، توجهات بیشتری را نسبت به این مسئله مبذول دارد.

منابع

- ۱- آرام، محمد باقر. (۱۳۸۶). اندیشه تاریخ نگاری عصر صفوی، تهران، امیرکبیر.
- ۲- آقاجری، هاشم؛ زرگری نژاد، غلامحسین؛ حسینی، عطاء... (۱۳۸۰). تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ نگری اسلامی، به کوشش حسن حضرتی، تهران، نقش جهان.
- ۳- آیینی نند، صادق. (۱۳۶۴). علم تاریخ در اسلام، تهران، اداره کل انتشارات و تبلیغات.
- ۴- تکینسون، استفورد. (۱۳۷۹). فلسفه تاریخ روش شناسی و تاریخ نگاری، مترجم حسینعلی نوروزی، تهران، طرح نو.
- ۵- اچ، کار. (۱۳۵۱). تاریخ چیست؟ مترجم حسن کامشاد، تهران، خوارزمی.
- ۶- اذکایی، پرویز. (۱۳۷۳). تاریخ نگاران ایران، تهران، بنیاد موقوفات، دکتر محمود افشار.
- ۷- اشپولر، بارتولد؛ باسورت، کاهن و دیگران. (۱۳۸۰). تاریخ نگاری در ایران، ترجمه و تألیف یعقوب آژند.
- ۸- بورلی، سائگیت. (۱۳۷۹). تاریخ چیست و چرا، ترجمه رویا منجم، تهران، نگاه سبز.
- ۹- تاج بخش، احمد. (۱۳۷۶). تاریخ و تاریخ نگاری، شیراز، نوید شیراز.
- ۱۰- ثواقب، جهانبخش. (۱۳۸۰). تاریخ نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ، شیراز، نوید شیراز.
- ۱۱- حمیدی، جعفر. (۱۳۷۲). تاریخ نگاران، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۲- رادمنش، عزت... (۱۳۷۹). مکتب های تاریخی و تجددگرایی تاریخ. تهران، ستاره دانش.
- ۱۳- رادمنش، عزت...؛ بهرامی، روح...؛ اکبری، محمد علی و دیگران. (۱۳۸۲). تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی، به اهتمام حسن حضرتی، قم، بوستان کتاب.
- ۱۴- روزنتال، فرانتس. (۱۳۶۶). تاریخ و تاریخ نگاری در اسلام، ترجمه دکتر اسد... آزاد، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ۱۵- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۱). تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، امیرکبیر.
- ۱۶- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۱). تاریخ در ترازو، امیرکبیر.
- ۱۷- ساماران، شارل. (۱۳۷۵). روش های پژوهش در تاریخ، مترجم ابوالقاسم بی گناه، مشهد، آستان.
- ۱۸- سجادی، سید صادق؛ عالم زاده، هادی. (۱۳۸۰). تاریخ نگاری در اسلام، تهران، سمت.

- ۱۹- شکوری، ابوالفضل. (۱۳۷۱). جریان شناسی تاریخ نگاری ها در ایران معاصر، تهران، بنیاد انقلاب اسلامی ایران.
- ۲۰- صدری، افشار. (۱۳۴۵). تاریخ در ایران، تهران، کتابخانه ابن سینا.
- ۲۱- فروند، ژولین. (۱۳۶۸). جامعه شناسی ماکس وبر، مترجم عبدالحسین نیک گوهر، تهران، رایزن.
- ۲۲- فصیحی، سیمین. (۱۳۷۲). جریان های اصلی تاریخ نگاری در دوره ی پهلوی، تهران، نشر نوند.
- ۲۳- گوردون، چایلد. (۱۳۵۵). تاریخ، ترجمه سعید حمیدیان، تهران، امیرکبیر.
- ۲۴- میرجعفری، حسین؛ عاشوری نژاد، عباس. (۱۳۸۶). تاریخ نگاری و تحولات آن در ایران و جهان، تهران، دانشگاه پیام نور.
- ۲۵- همیلتون، گری جیک ولینز، رندال و دیگران. (۱۳۸۷). تاریخ نگاری و جامعه شناسی تاریخی، ترجمه هاشم آقاجری، تهران، کویر.